

پایان بد هاشمی

۱۳۹۴ آذر ۲۷، جمعه

پایان بد هاشمی!

برخلاف تصور و باور عامه «اکبر هاشمی رفسنجانی» از لحاظ وجوه تیپیک و شاکله شخصیتی اصلاً پیچیدگی ندارد و به اعتبار همین شخصیت رقیق، مشارالیه به سادگی و به سهولت قابل پیش بینی است. به اعتبار همین سادگی «رفتار و شخصیت» هاشمی است که بوضوح می توان همه قرائن و شواهد و مدارک در عزم هاشمی بمنظور انجام «بازی بزرگ» ایشان در انتخابات خبرگان پیش رو را دلالت کرد.

در ساده ترین شکل ممکن، صورت مسأله در «بازی بزرگ» هاشمی عبارت است از «تک ایشان در خبرگان 94 بابت پاتک موفق نظام به فتنه 88 ایشان و تسویه حساب ایشان با نظام بابت رد صلاحیت 92 ایشان توسط نظام»

به عبارت دیگر «بازی بزرگ هاشمی» بعد از تلخ کامی ایشان بابت هزیمت آشوب 88 در خرداد 92 و بعد از سورپرایز غیر قابل انتظار ایشان از «ماجرای رد صلاحیت» کلید خورد.

هاشمی که به تعدد و فراست نشان داده از سنسورهای دقیق در پایش تحولات سیاسی ایران برخوردار است در 92 نیز بعد از مواجه شدن با «سورپرایز رد صلاحیتش» همان سنسورها بخوبی و بموقع به ایشان فهماند در صورت هر گونه واکنشی تند و عجولانه و ساختار شکنانه نسبت به «سورپرایز رد صلاحیتش» نظام خود را آماده برخوردی جدی با ایشان کرده تا بدانوسیله هزینه قسِر در رفتن معظم له از ماجراجویی های 88 را به حسابش واریز کنند.

بدین اقتفا بود که این سَیَّاسْ اَبَدیده در فردای رد صلاحیتش بفراست از هرگونه فردین بازی به سنت «آیت الله منتظری» احتراز کرد و در ازایش همه ثقل سیاسی خود را تا «لحظه مناسب» بر «جنگی نیابتی» و با اتکای بر «خَلَف خود ساخته اش» در ساختمان پاستور، استوار کرد.

لحظه مناسب برای هاشمی انتخابات پیش روی خبرگان است که همه شواهد

و قرائن نشان از آن دارد که هاشمی با دورخیزی محاسبه شده خود را مهيای ورود به این بازی بزرگ کرده است.

ترش یا شیرین به اعتبار شهری بودن انتخابات خبرگان پیش رو به قطع و یقین هاشمی از زمین این انتخابات، پیروزی محتمل و پر ثمری را برداشت خواهد کرد.

این پیروزی محتمل استوار بر این واقعیت است که:

اولاً تهران زمین بازی اختصاصی هاشمی است و پایگاه اصلی و طبقاتی هاشمی در این کلان شهر تعریف شده که عمدتاً شامل اقشار لاقید و هرهری مسلکی می باشند که «اکبر هاشمی رفسنجانی» برای ایشان همواره در قامت لیدری قابل وثوق و قابل اتکا برسمیت شناخته شده. (1)

– گذشته از آنکه از فردای سرکوب فتنه 88 و به اعتبار مواضع کشار و بعضاً پر ایهام و با ابهام و زاویه دار هاشمی با آیت الله خامنه ای این فرصت برای هاشمی فراهم شد تا بتواند در فضای سیاسی ایران گسل «با رهبری» و «بر رهبری» را تمهید و فعال کرده و با قرار دادن خود در میانه این گسل، در ناخود آگاه همه مخالفان با نظام و رهبری خود را در نقطه مقابل «رهبری نظام» قهرمان سازی کند. (2)

قهرمانی که اینک یک رسالت تاریخی و معطل مانده را برای خود تعریف کرده و آن به چالش کشیدن تمامیت هژمونی و اقتدار نهاد رهبری از طریق ایجاد فراکسیون حواریون هاشمی در خبرگان پنجم است.

همان چیزی که بالغ بر ده سال پیش «مهدی» فرزند ماجراجوی هاشمی در مصاحبه اش با روزنامه USA Today با صراحت از آن تحت عنوان «تشریفاتی کردن ولایت فقیه» نام برد و به صراحت در آن مصاحبه اذعان داشت:

تنها پدرم توان مدیریت شایسته ایران را دارد ... و چنانچه در انتخابات ریاست جمهوری (سال 84) پیروز شود ولایت فقیه را به یک نهاد تشریفاتی همچون نهاد تشریفاتی سلطنت در انگلستان تبدیل خواهد کرد.

Rafsanjani's son says that, if elected, his father will change

Iran's constitution to reduce the power of Iran's supreme religious leader and make the position a ceremonial role akin to "the king of England." Hashemi also says that only his father can prevent the country from losing any semblance of pluralism, albeit within a small religious-backed elite

<http://usat.ly/lexZW69>

هر چند لاقیدی هاشمی به مفهوم «ولایت فقیه» مسبوق به سابقه است و پیشتر شادروان «عزت الله سبحانی» نیز این حیثیت نامتعارف را در هاشمی اطلاع رسانی کرده بود. (3)

علی ایحال و در راستای فهم بازی بزرگ و نوین هاشمی در خبرگان پیش رو مصداقاً می توان و باید خاصه خرجی ایشان در اعطای لقب «علامه» به حجت الاسلام حسن خمینی و دعوت از ایشان جهت شرکت در انتخابات خبرگان را تمهید زیرکانه «معظم له» بمنظور فراکسیون سازی از حواریون خود در خبرگان پنجم بمنظور چینش مهره ها در زمین «بازی بزرگ خود» معنا کرد.

هر چند حجت الاسلام خمینی نیز با شکل ورود خود به زمین انتخابات نشان داد علی رغم جوانی به اندازه کافی با ظرائف دنیای سیاست آشنايند و با معرفی خود به عنوان «نامزدی مستقل» عملاً مانع از آن شد تا هاشمی رفسنجانی در افکار عمومی بتوانند ایشان را «آدم خود» معرفی کنند. (4) قدر مسلم ترجیح هاشمی آن بود تا حجت الاسلام خمینی ثبت نام خود در انتخابات خبرگان را بنام ایشان سند زده و صراحتاً حضورش در انتخابات خبرگان را به «فراخوان هاشمی از خود» گره می زد. علی ایحال تا اینجا حسن خمینی نقش خود را خوب بازی کرده و بالتبع از اینجا به بعد بر عهده مدیریت عالیه نظام است تا از طریق گذاشتن حمایت خود بر روی «حاج حسن» مانع از مصادره آرای پیروزی محتمل ایشان در خبرگان پنجم توسط هاشمی شوند.

در مجموع مدیریت عالیه نظام در چگونگی برخورد بهداشتی با بازی بزرگ هاشمی می تواند ضمن لحاظ بین «هاشمی فعلی» با «هاشمی پیشین» معظم له را خنثی سازی کند.

درست یا نادرست طی 30 سال گذشته عموم تحلیلگران سیاسی برای اکبر

هاشمی رفسنجانی یک حیثیت بالانسر (Balancer) یا متعادل کننده را در هرم قدرت سیاسی ایران تعریف کرده بودند. حیثیتی که تا آن درجه ثقل دارد که بتواند در برآیند نیروهای سیاسی ایران توازن بخشی کند. بیرون از صحت یا عدم صحت چنین حیثیتی، داده ها و واقعیت های موجود موید آن است که هاشمی اگر هم زمانی نقش یک بالانسر را در زمین سیاست ایران بر عهده داشت اما اینک این بالانسر با یک شیفت محتوایی می کوشد خود را در جایگاه یک ترانسفر (Transfer) یا انتقال دهنده بازسازی کند تا از آن طریق آخرین بخت خود جهت «انتقال» جمهوری اسلامی موجود به جمهوری اسلامی مطلوب و مطمح نظر خود را گمانه زنی و در صورت امکان عملیاتی کند.

نوعی جمهوری اسلامی عُرُفی و همگون با نظم کدخدائی که در آن صورت استبدادی هم نخواهد داشت که تا اسفند ماه، کدخدا نیز بمنظور تقویت حاملان این پروژه توصیه سال گذشته «دکتر ظریف» در شورای روابط خارجی به آمریکائی ها مبنی بر آنکه «به ما در مذاکرات اتمی و رفع تحریم ها جایزه دهید تا مردم ایران را متقاعد بر حمایت خود در انتخابات سال آینده مجلس و خبرگان کنیم» جدی گرفته و از طریق کمی شل کردن «سر کیسه تحریم ها» اقدام به تزریق دوپینگ به طرف مورد وثوق خود بنماید! (5)

مگر آنکه قوه عاقله نظام عزم خود را برای یک جراحی بزرگ جزم کرده و پیش دستانه با رد صلاحیت هاشمی رفسنجانی مانند ریاست جمهوری 92 مانع از حضور ایشان در انتخابات خبرگان شده و از این طریق تن به این گزینه اجتناب ناپذیر دهد که:

یک پایان بد ، بهتر از یک بدی بی پایان است.

1_ نگاه کنید به مقاله «شلتاق»

http://sokhand.blogspot.com/2014/10/blog-post_19.html

2_ نگاه کنید به مقاله «خیز بلند هاشمی»

http://sokhand.blogspot.com/2012/10/blog-post_2.html

3_ نگاه کنید به مقاله «هاشمی و تاریخ» و «نقل قولی که تکذیب نشد»

<http://sokhand.blogspot.com/2012/02/blog-post.html>

<http://www.rajaneews.com/news/114051>

4_ نگاه کنید به مقاله «حاج حسن آقا نیائید»

http://sokhand.blogspot.com/2015/11/blog-post_19.html

5_ نگاه کنید به مقاله «از لاری گیت تا ظریف گیت»

http://sokhand.blogspot.com/2014/09/blog-post_24.html